



The Marivan Plain during the Parthian Period; Based on field and archaeological studies

Morteza Zamani Dadaneh¹, Fariba Forooz² & Ali Behnia³
(1-17)

Abstract

The Marivan region has a relatively more complete archaeological sequence than other regions of Kurdistan province, due to environmental and climatic conditions. During this important sequence, the historical period in the Marivan plain has unique ambiguities especially during the Parthian period. This article is based on latest studies in Marivan plain and in order to respond the appropriately to these ambiguities based on recent field studies and survey in this area. The beginning of the historical period can be identified and studied with the evidence of the late Iron Age in Marivan plain., But the cultural characteristics of the Achaemenid and somewhat Sassanid eras are remain ambiguous and unrecognizable. In the meantime, the only period that is clearly in harmony with the cultural characteristics of its era in the neighboring regions is evidence of the Parthian period in the region. Based on previous studies and the results of researchers' studies on the hypothesis that excessive density of Parthian cemeteries in basin of Zrebar Lake is associate with nomadic communities, further study is necessary in this region. Of course, the results of this article will disprove the previous hypothesis and offer a different definition of it. Often, the artifacts of the Parthian period in Marivan plain can be defined in the form of single-period settlements with poor cultural deposits, cemeteries in direct relation to the settlement area and cemeteries unrelated to the settlement area and mainly by the method of jar burial and in some cases coffins as well as protective or defensive areas.

Keywords

Marivan plain, jar burial, Parthian pottery, Parthian burial, establishment pattern.

1. Corresponding Author: Morteza.zamani.d@ut.ac.ir

Ph.D. Candidate of Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Candidate of Archeology, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

³ Ph.D. Candidate of Archeology, University of Bu Alisina, Hamedan, Iran.



دشت مریوان در دوران اشکانی؛ بر پایه مطالعات میدانی و باستان‌شناختی

مرتضی زمانی دادانه^۱

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

فریبا فروز

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

علی بهنیا

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

رویکرد علمی - پژوهشی

چکیده

منطقه مریوان با توجه به شرایط محیطی و اقلیمی دارای توالی باستان‌شناختی نسبتاً کامل‌تری در مقایسه با سایر مناطق استان کردستان است. در طول این توالی مهم، دوران تاریخی در دشت مریوان به ویژه در دوره اشکانی از ابهامات منحصر به فردی برخوردار است که این مقاله بر پایه جدیدترین مطالعات دشت مریوان و در جهت پاسخ مناسب به این ابهامات بر پایه مطالعات و بررسی‌های میدانی اخیر در این حوزه تدوین شده است. اوایل دوران تاریخی با شواهد عصر آهن متأخر در دشت مریوان قابل شناسایی و مطالعه است اما شاخصه‌های فرهنگی دوران هخامنشی و تا حدودی ساسانی نامفهوم و غیر قابل شناسایی است. در این میان تنها دوره‌ای که به صورت واضح با شاخصه‌های فرهنگی دوران خود در مناطق همجوار همگونی داشته است شواهدی از دوره اشکانی منطقه است. بر اساس مطالعات پیشین و نتایج بررسی‌های پژوهشگران مبنی بر فرضیه‌ای که تراکم بیش از حد گورستان‌های اشکانی در حاشیه دریاچه زریوار را در ارتباط آن‌ها با جوامع کوچ‌نشین می‌داند، مطالعه بیش از پیش در این منطقه ضروری می‌نماید که البته نتایج این مقاله فرضیه پیشین را منسوخ و تعریف متفاوتی از آن ارائه خواهد کرد. غالباً آثار دوران اشکانی در دشت مریوان در قالب استقرارهای تک دوره‌ای با نهشته‌های فرهنگی ضعیف، گورستان‌هایی در ارتباط مستقیم با محوطه استقرار و گورستان‌های بدون ارتباط با محوطه استقرار و عمدتاً به شیوه گورهای خمره‌ای و در مواردی تابوتی و همچنین محوطه‌های حفاظتی یا دژهای دفاعی قابل تعریف است.

واژه‌های کلیدی: دشت مریوان، گورخمره، سفال اشکانی، تدفین اشکانی، الگوی استقرار.



۱. مقدمه:

دشت مریوان با توجه به شرایط زیست محیطی و آثار فرهنگی شناسایی شده بی شک یکی از مهم ترین مناطق استان کردستان در ارتباط با مطالعات باستان شناسی در حوزه فرهنگی غرب ایران است. مهم ترین ویژگی باستان شناختی این منطقه، توالی نسبتاً کامل تر باستان شناختی آن در مقایسه با سایر مناطق استان است. در سایر مناطق استان توالی باستان شناختی نهایتاً از دوره مس و سنگ میانی شروع می شود و از فرهنگ های پیش از آن (نوسنگی و پارینه سنگی) گزارشی در دست نیست. این در حالی است که در نتیجه بررسی ها و کاوش های باستان - شناسی مشخص گردیده است که منطقه مریوان از محدود نقاط استان بوده که توالی کاملی از دوره پارینه سنگی تا دوران متأخر اسلامی را دارا است (محمدی فر و مترجم، ۱۳۸۱ - ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۱ - ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۴ - ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۲ - زمانی دادانه، ۱۳۹۷). با نگاهی به بررسی ها و کاوش های صورت گرفته در منطقه مریوان مشخص می گردد که بیش ترین آثار شناسایی شده این منطقه نیز مربوط به دوران تاریخی و به ویژه دوران اشکانی است. البته این وضعیت فقط مربوط به مریوان نبوده و آثار زیادی از دوره اشکانی در سایر مناطق استان شناسایی شده اند ولی تفاوت بارز مریوان با سایر نقاط استان در تعداد غیر متعارف شناسایی گورستان های اشکانی است که قابل مقایسه با دیگر مناطق استان نیست. همچنین از نظر تراکم گورستان های این دوره، کم تر منطقه ای را می توان در غرب کشور با منطقه مریوان مقایسه کرد.

۲. پیشینه تحقیق

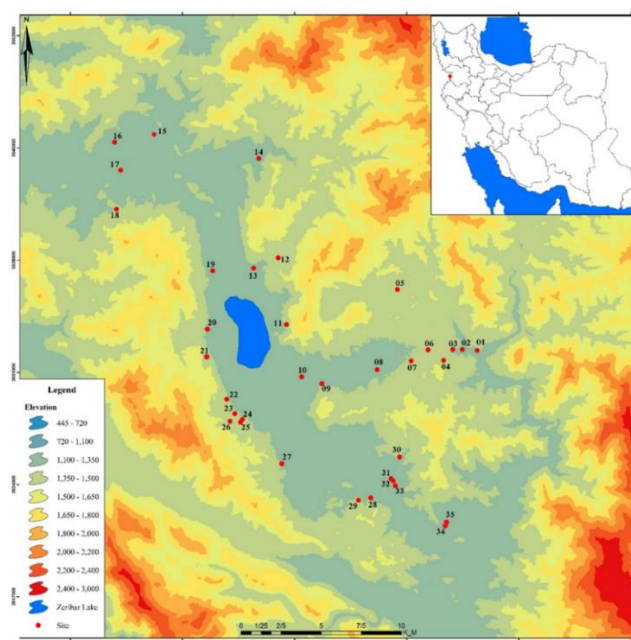
دشت مریوان در چندین نوبت مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است که تعدادی از آن ها توسط کارکنان اداره میراث فرهنگی استان کردستان (فاقد انتشار) و تعدادی نیز توسط تیم های دانشگاهی و پژوهشگران آزاد حوزه باستان شناسی صورت گرفته است. قدیمی ترین بررسی علمی صورت گرفته در مریوان مربوط به بررسی هیئت دانشگاه بوعلی سینا همدان است که در طی این بررسی برای اولین بار آثار دوره های پارینه سنگی و نوسنگی منطقه گزارش گردید (محمدی فر و مترجم، ۱۳۸۱)؛ البته بیش ترین آثار شناسایی شده در طی این بررسی آثار دوره اشکانی و به ویژه گورستان های خمره ای بوده اند (محمدی فر و هژبری نوبری، ۱۳۸۳: ۴۲-۲۹). از دیگر بررسی های صورت گرفته در این منطقه بررسی بخش خاومیرآباد مریوان توسط کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی است که انتشاراتی از این نتایج در دست نیست. در ادامه تعدادی از این گورستان ها مورد شناسایی مجدد و کاوش باستان - شناختی قرار گرفتند (مترجم و محمدی فر، ۱۳۸۳: ۴۲-۲۹ - معصومیان، ۱۳۹۶ - زمانی دادانه، ۱۳۹۷). یکی از مهم ترین آثار شناسایی شده از دوره اشکانی در طی بررسی های یاد شده تپه شاخص گلین کبود است که به عنوان بزرگ ترین اثر شناسایی شده دشت مریوان قلمداد گردیده و همچنین دومین اثر ثبتی استان کردستان در فهرست آثار ملی کشور (پس از قلعه زیویه) است (محمدی قصریان، ۱۳۹۳). این محوطه به دلیل اهمیت و نیز حفاظت آن از ساخت و سازهای شهری در سال ۱۳۹۳ برنامه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم آن توسط اداره میراث فرهنگی استان، به سرپرستی سیروان محمدی قصریان اجرا شد که با توجه به گزارش ارائه شده، شواهد یاد شده نشان از یک محوطه شاخص و مرکزی از دوره اشکانی در دشت مریوان دارد (همان)؛ البته در بررسی ۱۳۹۷ توسط نگارنده مسئول، شواهد سفالی از فرهنگ های عصر آهن نیز در این تپه شناسایی شده است (زمانی دادانه، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۸۶). همچنین برنامه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه ترخان آباد نیز توسط اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان به سرپرستی علی بهنیا اجرا گردیده است (بهنیا، ۱۳۹۵). جدیدترین کاوش ها مربوط به دوره اشکانی در دشت مریوان نیز در قالب برنامه کاوش اضطراری گورستان زردویان (معصومیان، ۱۳۹۶) و کاوش اضطراری تپه ترخان آباد



(کریمی، ۱۳۹۷) صورت گرفته است. همان‌طور که ذکر شد درصد زیادی از محوطه‌های شناسایی شده دشت مریوان مربوط به دوره اشکانی هستند که از این میان بیش‌ترین تعداد از آن‌ها به عنوان گورستان مورد شناسایی واقع شده‌اند.

۳. روش‌ها

این مقاله بر اساس مطالعات و داده‌های حاصل از برنامه بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دشت مریوان که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و با امضای ریاست پژوهشگاه میراث فرهنگی، جناب آقای سید محمد بهشتی به سرپرستی مرتضی زمانی دادانه به انجام رسیده و همچنین نتایج منتشر شده سایر پژوهشگران در این حوزه و نواحی هم‌جوار نگارش شده است. در برنامه بررسی مذکور بیش از ۶۰ اثر باستانی از دوران نوسنگی بدون سفال تا دوره پهلوی شناسایی شده است که در میان آثار شناسایی شده تعداد ۳۵ اثر متعلق به دوره اشکانی است (تصویر ۱).



تصویر ۱: پراکندگی آثار دوره اشکانی در حوزه دشت مریوان (باورسای و زمانی دادانه، ۱۴۰۱).

۴. شواهد و یافته‌های دوره اشکانی در دشت مریوان

غالباً آثار دوران اشکانی در دشت مریوان در قالب استقرارهای تک دوره‌ای دارای نهشته‌های بسیار ضعیف و هم-چنین گورستان‌هایی بیشتر به سبک خمره‌ای و در مواردی تابوتی قابل شناسایی است (زمانی دادانه، ۱۳۹۷). تنها استثناء محوطه‌های استقرار موجود در این دشت، تپه گلین‌کبود است که می‌تواند با توجه به موقعیت قرارگیری آن در میان دشت و حاشیه دریاچه زریوار، وسعت قابل توجه آن و همچنین وجود آجرهای پراکنده بر روی سطح که می‌تواند نشان از وجود معماری شاخص و تولید انبوه آجر در کوره‌های با فناوری پخت و تولید حرارت بالا باشد، به عنوان یک مکان مرکزی از دوره اشکانی در دشت مریوان معرفی شود. در ادامه به معرفی آثار شناسایی شده از دوره اشکانی در دشت مریوان (تصویر ۲) می‌پردازیم که در چهار بخش قابل بررسی هستند: ۱- محوطه‌های استقرار، ۲- گورستان‌های در ارتباط با محوطه استقرار، ۳- گورستان‌های بدون ارتباط با محوطه

استقراری و ۴- استحکامات دفاعی. در ادامه به تفصیل، تعدادی از این آثار مورد توصیف و مطالعه قرار خواهند گرفت که از مهم‌ترین یافته‌های بررسی اخیر متعلق به دوره اشکانی در دشت مریوان هستند.



تصویر ۲: بخشی از چشم‌انداز دشت مریوان و محل تلاقی جنوب‌غربی دشت به دامنه ارتفاعات (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).

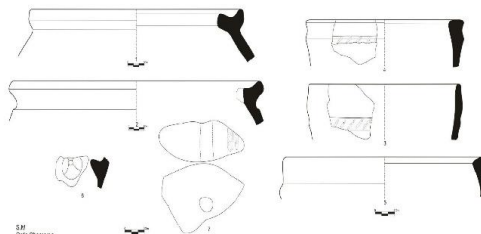
۱.۴. گورستان گرده شمامه (Grda Shamama 07)

این اثر به صورت یک برجستگی طبیعی با شیب ملایم در شرق روستای لنج آباد در بخش مرکزی شهرستان مریوان واقع شده است (تصویر ۳). یک کانال بتنی بزرگ که جهت پروژه آبیاری تحت فشار دشت مریوان تعبیه شده است در ۵۰ متری جنوب تپه قرار دارد و از این کانال بتنی بزرگ انشعابات به طرف دشت ایجاد شده که برخی از این انشعابات از میان گورستان گرده شمامه عبور کرده و آسیب‌های بسیار شدیدی بر این اثر ایجاد کرده است. در برشی که برای حفر این کانال‌ها ایجاد شده شواهدی از خمره‌های اشکانی در مقطع دیواره آن‌ها مشاهده می‌شود. همچنین یک مخزن چاله‌ای بزرگ در رأس تپه ایجاد شده که در دیواره این برش به خوبی می‌توان عمق مرحله‌ای که گورستان بر روی این برجستگی ایجاد شده را مشاهده کرد. در کنار کانال‌ها و لوله‌های آبیاری تحت فشار قطعاتی از یک تابوت سفالی (تصویر ۳) و قطعات سفالی از خمره‌های تدفینی دوره اشکانی و قطعات کوچک‌تر ظروف سفالی مشاهده شد. تابوت سفالی گورستان گرده شمامه اولین تابوت سفالی شناسایی شده در این منطقه معرفی شده است (زمانی دادانه، ۱۳۹۷). لازم به ذکر است مشخصات فنی سفال‌های پراکنده بر روی سطح شامل سفال ساده و معمولی دوره اشکانی با خمیره نارنجی و شاموت معدنی، پخت کافی و با تکنیک چرخ‌ساز است (تصویر ۴).





تصویر ۳: قطعاتی از تابوت سفالی گورستان گرده شمامه (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).



تصویر ۴: نمونه سفال‌های سطحی گورستان گرده شمامه (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).



۲.۴. تپه گلین کبود (Gellin Kabood 10)

این تپه در سال ۱۳۹۳ توسط سیروان محمدی قصریان طی برنامه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم مورد مطالعه میدانی قرار گرفته و دارای عرصه و حریم مصوب بوده است اما با این وجود در زمان بازدید گروه بررسی از این تپه متأسفانه با عرصه زیر شخم رفته آن مواجه شده و این در حالی بود که در ضوابط تعریف شده برای عرصه، هرگونه فعالیت کشاورزی و باغداری بر روی آن ممنوع اعلام شده است (محمدی قصریان، ۱۳۹۳). در میان خاک‌های سطحی که در اثر شخم پراکنده شده بود قطعاتی از سفال‌های خوش‌ساخت با خمیره نخودی و قرمز و شاموت معدنی دوران اشکانی و قطعاتی از سفال‌های ساده دوره آهن شامل سفال معمولی با خمیره نخودی و شاموت معدنی که در محوطه‌های عصر آهن منطقه مریوان وجود دارد مشاهده می‌شود اما با توجه به پراکندگی سفال‌های دوره اشکانی در دامنه‌های مختلف و رأس تپه احتمال می‌رود که استقرار اصلی این تپه که وسعت زیادی نیز دارد متعلق به دوره اشکانی بوده و گویا این استقرار به عنوان یک مکان مرکزی بزرگ در وسط دشت مریوان و در حاشیه دریاچه زریوار شکل گرفته و گسترش یافته است.

۳.۴. محوطه و گورستان گرده خزینه (Grda Khazina 13)

در ۵۵۰ متری غرب سه راهی جاده مریوان - باشماق به روستای سیف سفلی و در ضلع شرقی جاده محوطه‌ای باستانی واقع شده که برجستگی کمی در حدود یک متر از آن باقی مانده و به طور قطع بر اثر عملیات جاده

سازی و همچنین تسطیح توسط کشاورزان به شکل کنونی درآمده است. جاده از روی بخش جنوبی تپه عبور کرده است. در برش ایجاد شده در کنار جاده، میزان نهشته‌های تپه قابل مشاهده است که متشکل از لایه ضعیفی از نهشته‌های فرهنگی است. شواهد فرهنگی محوطه فقط محدود به قطعات سفال بوده و تراکم سفال - های سطحی در قسمت‌های نزدیک به جاده بیش‌تر از سایر قسمت‌های محوطه است. سفال‌های جمع‌آوری شده شامل چند قطعه لبه ظروف است. سفال‌ها خوش‌ساخت، چرخ‌ساز با پخت کافی، ساده و بدون تزئین با شاموت معدنی در طیف رنگی نخودی و غالباً قرمز رنگ بودند. سفال‌ها بیش‌تر متوسط و خشن بوده و قطعات سفال‌های ظریف در میان آن‌ها مشاهده نشد؛ البته ناگفته نماند که در فاصله ۵۰ متری به خط مستقیم از شمال غرب تپه یک برجستگی طبیعی دیده می‌شود که چندین قطعه سفال خشن و ضخیم از نوع خمره‌های تدفینی دوره اشکانی بر روی سطح آن مشاهده شد و همچنین در چند نقطه به طور محدود آثار چاله‌های حفاری غیرمجاز نیز مشاهده گردید. با توجه به موارد یاد شده این احتمال وجود دارد که جامعه ساکن در تپه گرده خزینه از این بخش به عنوان گورستان استفاده کرده‌اند. همچنین با توجه به موارد مذکور به نظر می‌رسد که تپه گرده خزینه یک استقرار وابسته به دریاچه زریوار در دوره اشکانی به همراه گورستان مرتبط با آن در جوار محوطه است.



۴.۴. گورستان زردویان (Zarduiyan 20)

این اثر در ۴۸۰ متری شمال روستای دره تفی و در دامنه شرقی یکی از ارتفاعات غرب دریاچه زریوار که به نام زردویان شهرت دارد با گورهای خمره‌ای واقع شده است. با توجه به تخریباتی که توسط اهالی روستا از طریق خاکبرداری‌های بی‌رویه از سطح گورستان و حفاری‌های غیرمجاز در این گورستان صورت گرفته بود برنامه کاوش اضطراری آن به سرپرستی محمد معصومیان اجرا شد (معصومیان، ۱۳۹۶). نگارنده مسئول، در این تیم پژوهشی حضور داشته که این تجربه در شناسایی و بررسی گورستان‌های اشکانی منطقه مربوان مثمر ثمر واقع شد به طوری که تشخیص این سبک گورستان‌ها با توجه به شواهد سطحی میسر می‌نمود. سفال‌های سطحی این گورستان شامل سفال‌های ساده و معمولی و برخی سفال‌های تزئین شده بر روی سطح خارجی بدنه، از نوع سفال‌های اشکانی است (تصویر ۵). سفال‌ها اکثراً چرخ‌ساز با شاموت معدنی و دارای پخت کافی هستند.



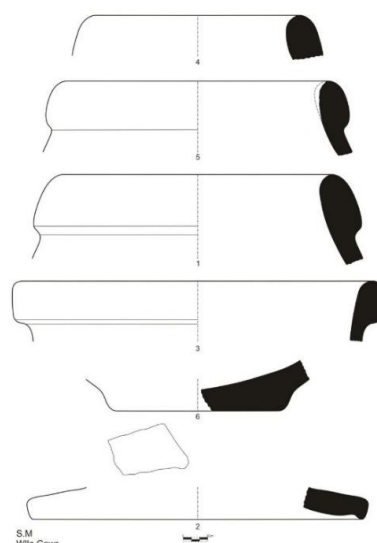
تصویر ۵: قطعه‌ای از ظروف سفالی گورستان زردویان (زمانی دادانه، ۱۳۹۶).

۵.۴. گورستان وله گاور (Wlla Gawr 22)

این اثر بر روی ارتفاعات غرب دریاچه زریوار و در غرب جاده کانی سانان به روستای نی واقع شده است. با توجه به پراکندگی گورها احتمالاً ابعاد این گورستان ۲۴۰×۱۵۰ متر است. بر روی سطح این برجستگی به وفور می‌توان آثار حفاری‌های غیرمجاز را مشاهده کرد که شواهد سفال‌های پراکنده در میان خاک‌های حاصل از حفاری غیرمجاز، حاکی از وجود گورستانی با خمره‌های تدفینی است که در برش این دیواره‌های حفاری غیرمجاز به وضوح یک چیدمان سنگی را می‌توان مشاهده نمود که گویا خمره‌های تدفینی در میان این چیدمان قرار می‌گرفته‌اند (تصویر ۶). این چیدمان‌های سنگی که در اندازه‌های نسبتاً بزرگی ایجاد شده است شباهت زیادی به گورهای سنگی عصر آهن غرب ایران دارد اما وجود خمره‌های تدفینی اشکانی می‌تواند این فرضیه را رد کند که این گورها متعلق به عصر آهن باشند و با توجه به این قطعات سفالی، این گورستان را متعلق به دوره اشکانی معرفی می‌کنیم. سفال‌های پراکنده بر روی سطح محوطه، شامل خمره‌های تدفینی با خمیره قرمز و نخودی با شاموت معدنی درشت و پخت کافی است که نمونه آن‌ها در گورستان‌های خمره‌ای اشکانی منطقه مریوان مشاهده می‌شود. این اثر در برنامه بررسی باستان‌شناسی شهرستان مریوان توسط هیئت دانشگاه بوعلی سینا همدان شناسایی شده و با نام تپه وله گاور یا کونه دیو معرفی شده است و با توجه به پراکندگی خمره‌های تدفینی اشکانی و قطعاتی از سنگ که بر سطح پراکنده بوده است، این اثر را استقرار و گورستانی از دوره اشکانی معرفی کرده‌اند (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱: ۲۰ و ۱۹) (تصویر ۷) اما با مشاهده گورهای حفاری شده توسط حفاران غیر مجاز و چیدمان‌های سنگی، گویا فقط کاربری گورستان داشته است که در بررسی‌های سطحی، محوطه استقرار مرتبط با این گورستان مشاهده نشد.



تصویر ۶: چاله حفاری غیرمجاز و آثار چیدمان سنگی منظم گورستان وله گاور (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).



تصویر ۷: نمونه طرح‌های ظروف اشکانی گورستان وله گاور (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).

۶.۴. محوطه دولاش قانع (Dollash Ghane 23)

این محوطه بر روی یک تراس در ۷۵۰ متری شمال غربی روستای نی و در ۱۵۰ متری غرب جاده نی به کانی‌سانان در ضلع شمالی دره‌ای که به دولاش یا دره آسیاب شهرت دارد واقع شده است (تصویر ۸). الگوی شکل‌گیری محوطه‌های ضلع غربی دریاچه زریوار به این صورت است که محوطه‌های واقع در این بخش غالباً تک دوره‌ای هستند و در میان دره‌های کم عرضی که به دریاچه ختم می‌شوند، واقع شده‌اند. با نگاهی به توپوگرافی ضلع غربی دریاچه زریوار متوجه می‌شویم که در دامنه سراسر ارتفاعات این ضلع، به تناوب دره‌های کم عرضی قرار دارند که هم محوطه‌های باستانی و هم روستاهای کنونی منطقه در دهانه این دره‌ها شکل گرفته‌اند. روستاهای این ضلع از دریاچه در ساخت منازل خود بیش‌تر از سنگ به عنوان مصالح ساختمانی استفاده کرده‌اند. این نوع مصالح در محوطه‌های باستانی نیز به کار برده شده‌اند به طوری که تمامی محوطه‌های تک دوره‌ای و گستره افقی این ضلع، با لایه فرهنگی ضعیف و با قطعات فراوان سنگ بر روی سطح مشاهده می‌شوند. محوطه دولاش قانع نیز از جمله این محوطه‌ها است. سطح این محوطه بر اثر فعالیت‌های کشاورزی کاملاً تسطیح شده و قطعات سنگ آن نیز در بخش‌هایی در اطراف محوطه توسط کشاورزان تلنبار شده است. رنگ خاک‌های سطحی محوطه تیره و مایل به خاکستری بوده و فرهنگی بودن آن کاملاً از خاک‌های قرمز رنگ زمین‌های اطراف محوطه آشکار است. شواهد فرهنگی سطحی محوطه فقط محدود به قطعات سفالی نبوده و در چند قسمت هنوز ساختارهای معماری سنگ‌چین را می‌توان در سطح تشخیص داد. در مطالعات پیشین، این محوطه را به دوره اشکانی نسبت داده‌اند ولی در بازدید نگارنده مسئول طی برنامه بررسی دشت مریوان در سال ۱۳۹۷ علاوه بر سفال‌های اشکانی، انواع دیگری از قطعات سفالی به دست آمد که از نظر فرم ظرف و دیگر ویژگی‌های فنی هیچ شباهتی با سفال‌های دوره اشکانی نداشته و بیش‌تر شبیه به سفال‌های عصر آهن منطقه هستند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که محوطه یک استقرار دو دوره‌ای (آهن-اشکانی) است که به صورت افقی گسترش یافته است.





تصویر ۸: سنگ‌های دیو شده محوطه دولاش قانع (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).

۷.۴. قلعه درزیان (Darzian 29)

این اثر بر روی یک برجستگی صخره‌ای مرتفع و مشرف بر دشت مریوان در غرب روستای درزیان واقع شده است (تصویر ۹). قاعده این اثر به شکل تقریباً مستطیل و در ابعاد حدوداً ۵۰×۲۵ متر است. ارتفاع دامنه این برجستگی تا رأس آن حدوداً ۷۰ متر است و بقایای قلعه در رأس آن که دارای شیب نسبتاً شدیدی نیز است واقع شده است. تمامی دامنه‌های این برجستگی مملو از درختان بلوط است. آثار شناسایی شده در قسمت رأس این برجستگی، متشکل از ساختارهای دفاعی با مصالح سنگی است که در چند نقطه از اطراف قلعه هنوز بقایای دیوارهای سنگ‌چین پابرجا است (تصویر ۱۰) و می‌توان رد آن‌ها را تا چندین متر پیگیری نمود ولی بیش‌تر قسمت‌ها به صورت آوارهای سنگی بر روی هم تلنبار شده مشاهده می‌شوند. حجم زیادی از بلوک‌های این قلعه با معماری سنگی، از سنگ‌های همین کوه ساخته شده است. با توجه به فضاهای آواری، این قلعه گویا دارای پلانی مستطیل شکل بوده است. در میان بخش‌های محصور شده به وسیله دیوارهای مذکور، آثار معماری که در سطح قابل مشاهده باشند شناسایی نشد. هرچند که اگر اثری نیز از شواهد معماری باقی مانده باشد توسط حفاری‌های غیرمجاز در چندین قسمت از فضای داخلی از بین رفته است. شواهد سفالی این اثر بر روی سطح بسیار محدود بوده و پس از بررسی دقیق در چندین ساعت فقط موفق به جمع‌آوری تعداد بسیار کمی قطعات سفالی به ویژه از دامنه شمالی حصار و آن هم در قسمت‌های خارج از حصار شدیم. سفال‌های نمونه‌برداری شده به غیر از چند قطعه محدود، اکثراً مربوط به بدنه ظروف است که تزئینات و ویژگی‌های شاخص قابل ذکری نداشتند. فقط در برخی موارد بر سطح بدنه بیرونی ظرف، تزئینات طنابی شاخص اشکانی مشاهده می‌شود. سفال‌ها اکثراً دست‌ساز با شاموت معدنی، دارای پخت کافی و در طیف رنگی نخودی و قرمز هستند. با ایستادن بر سطح اثر، تقریباً تمامی دشت مریوان و از جمله نواحی شمالی و کردور ارتباطی به شمال بین‌النهرین و نیز نواحی خروجی به سمت تنگه جنوبی دشت مریوان قابل مشاهده است. با توجه به این مورد و نیز موارد ذکر شده از جمله دیوارهای قطور سنگ‌چین و نیز قطعات اندک سفال، به نظر می‌رسد که این اثر یک قلعه و یا برج دیده‌بانی با ویژگی‌های دفاعی است. متأسفانه غیر از قطعات بدنه با تزئینات طنابی سفال‌های جمع‌آوری شده، شاخصه مناسب‌تری برای تاریخ‌گذاری دقیق این ساختار دفاعی وجود نداشت؛ بنابراین با توجه به موارد یاد شده این اثر را یک بنای تدافعی از دوران اشکانی در قسمت‌های جنوبی دشت مریوان تعریف می‌کنیم.





تصویر ۹: موقعیت قلعه درزیان (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۰: دیوارهای سنگی برجای قلعه درزیان (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).

۸.۴. محوطه کلکه خزینه (Klka Khazina 30)

این محوطه در ورودی روستای بالک و جبهه شمالی جاده بالک به کانی دینار واقع شده است. محوطه بر روی یک شیب تند که به دره‌ای که نهر بالک در آن جریان دارد واقع شده است. ظاهراً بخش جنوب و جنوب غرب این محوطه بر اثر فعالیت‌های جاده‌سازی روستای بالک از بین رفته است زیرا در جنوب جاده نیز شواهد سفالی مشاهده می‌شود. محل کنونی روستای بالک از نظر مکان گزینی و تجمع آثار و محوطه‌های باستانی یکی از متمرکزترین مناطق دشت مریوان است و توالی کاملی را از دوره مس‌وسنگ تا دوران تاریخی ارائه می‌دهد. یکی از جالب‌ترین شواهد فرهنگی در برش کنار جاده یک قطعه سفالی از یک نوع اجاق است (تصویر ۱۱). علاوه بر این در بررسی سطحی محوطه یک گل‌میخ سفالی نیز به دست آمد (تصویر ۱۱). قطعاتی از سفال و خمره‌های اشکانی سومین گروه از شواهد فرهنگی بر روی سطح محوطه است. سفال‌های جمع‌آوری شده قطعاتی از لبه ظروف

است که اکثراً چرخ‌ساز، خوش ساخت، ساده و بدون تزئین با خمیره نارنجی و شاموت معدنی و پخت کافی است که از نوع سفال‌های معمولی دوران اشکانی منطقه هستند. گویا وجود رودخانه بالک در حاشیه جنوب و جنوب-غربی محوطه مهم‌ترین منبع آبی و به عبارتی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری محوطه کلکه خزینه است.



تصویر ۱۱: قطعه‌ای از اجاق و گل میخ سفالی از محوطه استقرار کلکه خزینه (Zamani Dadaneh et al, 2019).

۵. بحث

با توجه به آگاهی و شناختی نسبی که تا کنون از حضور مواد فرهنگی متعلق به دوره اشکانی در دشت مریوان داریم و همچنین نتایج مطالعات پژوهشگران حوزه دوران تاریخی که در اقصی نقاط پهنه فرهنگی دوران اشکانی منتشر نموده‌اند تا حدودی می‌توانیم نقش و جایگاه دشت مریوان و همگونی و ناهمگونی فرهنگی و تأثیر و تأثرات نواحی مختلف را در این نواحی مورد سنجش قرار دهیم. در این راستا و با در نظر گرفتن نوع و فراوانی مواد فرهنگی حاصل از بررسی دشت مریوان قیاس را بر پایه دو رکن اساسی یعنی: ۱- گونه‌شناسی بر اساس فرهنگ‌های سفالی و ۲- شناسایی الگوهای تدفینی قرار می‌دهیم.



۱.۵. گونه‌شناسی بر اساس فرهنگ‌های سفالی

تا قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی در مکان‌های متعلق به دوره اشکانیان شناخت و تشخیص سفال دوره اشکانی از دوره‌های قبل و بعد دشوار بود؛ زیرا طبق پژوهش‌های انجام شده و آنچه از این پژوهش‌ها برمی‌آید اشکانیان ادامه‌دهنده سیر فرهنگی و هنری هخامنشیان و عامل انتقال آن به دوره ساسانی بوده‌اند. پس از حمله اسکندر فرهنگ و تمدن یونان و روم به ایران راه یافت و تمدن دوره اشکانی دنباله‌رو آن بود. سالیان متمادی شناسایی و بررسی فرهنگ و هنر دوره اشکانی محدود به کاوش‌های انجام شده در بین‌النهرین و سوریه به ویژه پالمیرا، دوراوروبوس و هترا یا الحضر بود. در دهه‌های اخیر حفاری‌های متعددی در ایران انجام شده که شناسایی و معرفی سفال دوره اشکانی یکی از ره‌آوردهای ارزشمند آن است.

دکتر ارنی هرینگ پژوهشگری است که برای تدوین رساله دکتری خود در رشته تاریخ و هنر و باستان‌شناسی خاور نزدیک به طور اختصاصی به بررسی و معرفی سفال دوره اشکانی پرداخته است. هرینگ اطلاعات مربوط به سفال‌های این دوره را به طور مستند و علمی از مکان‌های کاوش شده به دست آورد که حاصل تحقیقات خود را تحت عنوان سفال ایران در دوره اشکانی ارائه داد (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۴). هرینگ بر اساس ویژگی‌های سفالی در دوره اشکانی، ایران را به ۹ منطقه اصلی تقسیم کرد: ۱- منطقه جنوب غرب ایران. ۲- منطقه غرب ایران. ۳- منطقه شمال غرب ایران. ۴- منطقه آذربایجان شرقی. ۵- شمال ایران. ۶- شمال شرق ایران. ۷- شرق ایران. ۸-

جنوب شرقی ایران و ناحیه خلیج فارس و ۹- جنوب ایران (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۴). لازم به ذکر است برخی پژوهشگران این دوره به این تقسیم‌بندی ایراداتی دارند که البته در این بحث نمی‌گنجد. محوطه‌های باستانی ایران که طبقه‌بندی سفال‌های دوره اشکانی بر اساس آن‌ها انجام گرفت شامل: بردشانه- مسجد سلیمان- شوش- چغامیش- دستوا- تپه ازنا- شاه آباد- قلعه یزدگرد- بیستون- کنگاور- همدان- تپه نوشیجان- خورهه- تخت سلیمان- قلعه ضحاک- حسنلو- بسطام- یانیق تپه- مشکین شهر- گرمی- اردبیل- نوروز محله- حسنی محله- جوین- شاه پیر- شیمان- ری- تپه کوهان- شهر قومس- تپه نریشان- تورنگ تپه- یاریم تپه- کوه خواجه- قلعه تپه- قلعه سام- دامب کوه- فنوج- مزارمردی- تپه یحیی- پاسارگاد- قصرابونصر- نورآباد- تل ضحاک (هرینگ، ۱۳۷۶: ۳۰). در طول حدود پنج قرن میتوان سه دوره سفالی متمایز را در منطقه جنوب غرب ایران به عنوان جامع‌ترین مطالعات حوزه سفال اشکانی تبیین کرد: ۱. دوره اولیه (۱۵ تا ۲۵۰ پیش از میلاد. ۲- دوره میانی (۱۵ تا پایان سده اول پیش از میلاد). ۳- دوره متأخر (از ابتدای سده اول تا ۲۲۵ میلادی).

سفال‌های کلینکی نیز به تعداد بسیار محدود از دوره میانه به دست آمده که به روش سفال‌های قرمز با نقش برجسته مهرزده به شکل کاسه و پیاله به شکلی خاص ساخته می‌شده که منشأ آن غرب ایران است. سفال‌های لعاب‌دار شباهت زیادی با سفال‌های بین‌النهرین جنوبی دارند. در این گروه سفال‌ها، شکل‌های جدید بسیاری ابداع و ساخته شده که فقط در منطقه جنوب غربی متداول بوده است. تزیینات آن، دسته‌های طنابی پیچیده و دکمه‌ای شکل مدور برجسته و برجستگی‌های نوک تیز به شکل شاخ، نقوش کنده زیگزاگی یا نقوش بریده برجسته، دسته‌های دوتایی طنابی شکل که در بالا به یک زائده پهن گلبرگی شکل منتهی می‌شود را شامل می‌شوند.

در گروه سفال‌هایی که از خمیر معمولی و با چرخ ساخته شده‌اند، شکل‌ها و گونه‌هایی دیده می‌شوند که بسیار نادر است و فقط در این منطقه مشاهده شده و در دیگر مناطق وجود ندارد؛ البته باید استثنایی را در مورد چند شکل دوره اولیه در نظر گرفت که تحت تأثیر سفالگری هلنیستی (یونانی) بوده و مشابه آن‌ها در بین‌النهرین نیز به دست آمده است. نظیر این ظروف سفالی ظروف ظریفی هستند که مشابه آن‌ها به شکل بشقاب و کاسه در بین‌النهرین دیده شده ولی ظروف به شکل جام از این گونه سفال به دست نیامده است. هرینگ معتقد است که بین سفال‌های خوزستان و بین‌النهرین جنوبی فقط در مجموع و به طور کلی ارتباط و شباهت وجود دارد (هرینگ، ۱۳۷۶: ۶۵). همچنین توحیدی معتقد است که سفال‌های هر سه دوره غرب و جنوب- غرب ایران در اوایل دوره اشکانی تحت تأثیر سفالگری یونانی و بین‌النهرین و سوریه بوده است و در شکل طرح بشقاب‌ها و کاسه‌های دوره اشکانی این امر را می‌توان دید در حالی که این تأثیرات در شرق ایران کمتر است (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

۲.۵. گونه‌شناسی بر اساس الگوهای تدفینی

یکی از منابع مهم در جهت شناخت مذاهب، فرهنگ و کارکردهای پیشینیان مطالعه تدفین‌های انجام شده در گورهای باستانی است زیرا که مراسم و آداب تدفین در ارتباط مستقیم با جهانبینی جامعه و ایدئولوژی‌های مذهبی است. علاوه بر این، پژوهش بر روی تدفین‌ها یکی از بهترین روش‌های مطالعه تأثیر و تأثر تمدن‌های همجوار در طول تاریخ بشری است. تحقق این مهم با بررسی اشیاء و هدایای موجود در گورهای باستانی و به طور کلی شیوه‌های تدفین عملی می‌گردد (چایچی و سعیدی، ۱۳۸۱: ۱). آیین خاکسپاری درگذشتگان رابطه کاملاً



مستقیمی با شیوه تفکر مذهبی اقوام پیشین دارد. پیروان ادیان گوناگون دستورات خاصی برای تدفین دارند. در دوران اشکانی شاهد شیوه‌های متنوع و متعدد تدفین هستیم که گویا با توجه به این تنوع شاهد نمود وجود مذاهب متنوع هستیم. در واقع یکی از دلایلی که محققان را بر این نظر معتقد کرده است که در این دوران آزادی‌های مذهبی زیادی وجود داشته، وجود روش‌های گوناگون تدفین است (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۴۸). شیوه تدفین اموات در هر منطقه و در نزد هر قومی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است و از آنجایی که شیوه تدفین برخاسته از تفکرات، عقاید و فرهنگ جامعه است، بنابراین با بررسی این شیوه‌ها می‌توان به شناسایی و بازسازی فرهنگ جوامع باستان پرداخت. به طور کلی هشت نوع شیوه تدفین متفاوت از دوره اشکانی در ایران وجود داشته است که عبارت است از: ۱- تدفین تابوتی، ۲- آرامگاه سردابه‌ای، ۳- گورمعبد، ۴- تدفین خمره‌ای، ۵- گوردخمه‌های تدفینی، ۶- گورهای مکعبی، ۷- گورهای چاهی و ۸- قبرستان با ظروف تدفین. البته با تکیه بر شواهد سطحی می‌توان تعدادی از این الگوهای تدفینی را در دشت مریوان شناسایی کنیم.

۱.۲.۵. تدفین خمره‌ای

این شیوه تدفین از دوران‌های پیش از تاریخ و در مناطق مختلف مورد استفاده بوده و کاربرد خمره در دوران مذکور محدود و بر حسب تصادف از ظروف و خمره‌های شکسته و سالم جهت دفن اموات و به ویژه نوزادان و خردسالان استفاده شده است. در دوره اشکانی تدفین‌های خمره‌ای گسترش یافته که آثار آن از مناطق متفاوتی شناسایی شده است. در دوره اشکانی در ایران از مکان‌های مختلفی این نوع تدفین به دست آمده که عبارتند از آکروپل و شهرشاهی شوش، کنگاور، گرمی، طاق‌بستان (سعیدی، ۱۳۷۵: ۹۷) و اخیراً نمونه‌های بسیار زیادی از حوزه دریاچه زریوار در مریوان شناسایی شده است (محمدی‌فر و هژبری نوبری، ۱۳۸۳: ۳۴- معصومیان، ۱۳۹۶- زمانی دادانه، ۱۳۹۷). در بررسی هیئت دانشگاه بوعلی سینا از شهرستان مریوان، این گورستان‌های خمره‌ای به یک جامعه با شیوه معیشت و استقرار کوچ‌رو در حاشیه دریاچه زریوار منتسب شده است (محمدی‌فر و هژبری نوبری، ۱۳۸۳: ۲۹) که به نظر نگارندگان این مقاله و بر اساس شواهد بررسی بازنگری سال ۱۳۹۷ این نگرش بی اساس و قابل نقد و ارائه پیشنهاد فرضیه جایگزین است. در بررسی‌های گذشته به دلیل نقص روش‌های بررسی و اطلاعات ناقص گروه بررسی کمتر محوطه استقرار از دوره اشکانی در منطقه مریوان شناسایی و معرفی نشده است که اخیراً با اطلاعات بررسی بازنگری نگارنده مسئول در دشت مریوان، گورستان‌های متعددی در ارتباط با محوطه‌های استقرار شناسایی و مستندنگاری شده است (زمانی دادانه، ۱۳۹۷).

۲.۲.۵. تدفین تابوتی

این شیوه تدفین از جمله روش‌های معمول تدفین در دوره اشکانی است؛ البته نمونه‌هایی از این نوع تدفین از دوره‌های قبل یا قدیمی‌تر مانند ایلام نو و هخامنشی نیز به دست آمده است که از میان آن‌ها می‌توان به تابوت برنزی ارجان، زیویه و شوش اشاره کرد. تابوت‌های دوره پارت غالباً از نوع تابوت‌های حیوانی و انسانی شکل (آنتروپوئید) هستند. تابوت‌ها اکثراً سفالی و بدون لعاب ساخته شده‌اند. محوطه‌های مهمی که از آن‌ها تدفین‌های تابوتی پارتی به دست آمده عبارتند از: چشمه‌سار تخت‌جمشید، سنگ شیر همدان، بوالاحیاء شوش، دستا شوشتر، کنگاور و قبرستان حومه شوش (چاپچی و سعیدی، ۱۳۸۱: ۷۲). اخیراً طی برنامه بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دشت مریوان نیز قطعات کوچکی از نوع تابوت سفالی بدون لعاب در سطح گورستان اشکانی کرده شمامه گزارش و مستندنگاری گردیده است (زمانی دادانه، ۱۳۹۷) (تصویر ۳).



ع. نتیجه

گویا با توجه به حاشیه‌ای بودن منطقه مریوان و دور از مرکزیت بودن این بخش از شاهنشاهی‌های هخامنشی و ساسانی نمی‌توان شاخصه‌های فرهنگی موجود در مکان‌هایی که نقش مرکزیت سیاسی و فرهنگی داشته‌اند را در این منطقه پیگیری نمود و به نحوی می‌توان گاهی رشد و تداوم فرهنگ‌های قبلی یا بومی این منطقه را فرهنگ غالب معرفی نمود. تنها در دوره اشکانی است که این منطقه دوشادوش تغییرات فرهنگی پایتخت‌ها یا نواحی با نقش مرکزیت همراه با اندک تفاوت‌هایی تغییر کرده و می‌توان شاخصه‌های همگون فرهنگی را در این مناطق به اصطلاح حاشیه‌ای هم جستجو کرد. فرهنگ‌های سفالی دشت مریوان هیچ تفاوت گونه‌شناختی با فرهنگ‌های همزمان خود در زاگرس مرکزی و حتی ایران مرکزی ندارد. همچنین الگوهای تدفینی در این دشت نیز همان الگوهای تدفینی خمره‌ای، تابوتی و چیدمان سنگی است که در جای جای ایران دوره اشکانی نیز به صورت پراکنده شناخته شده است.

استقرارهای این دشت غالباً محوطه‌های استقرار تک دوره شامل یک لایه ضعیف فرهنگی است که معمولاً توسط فعالیت‌های کشاورزی تسطیح و زیرورو شده است. تنها استثناء محوطه‌های استقرار موجود در این دشت، تپه گلین کبود است که می‌تواند با توجه به قرارگیری آن در حاشیه جنوب شرقی دریاچه زریوار، وسعت قابل توجه آن و وجود آجرهای پراکنده بر روی سطح که احتمالاً نشان‌دهنده یک معماری شاخص و مهم است، به عنوان یک مکان مرکزی یا یک نوع مرکزیت سیاسی و شهری از دوره اشکانی در دشت مریوان مطرح شود. البته لازم به ذکر است این تپه دارای شواهدی از عصر آهن نیز می‌باشد که احتمال دارد موارد مذکور متعلق به استقرار عصر آهن نیز در این تپه قابل شناسایی باشند. پاسخگویی به این سؤالات و آزمایش‌پذیر بودن این فرضیات نیازمند انجام پروژه‌های پژوهشی در قالب طرح‌های لایه‌نگارانه و کاوش‌های در مقیاس گسترده باستان‌شناسی است.

با توجه به شناسایی الگوی گورستان‌های اشکانی در ارتباط با استقرار (حاشیه استقرارها) و همچنین گورستان‌های بدون ارتباط با استقرار که اکثراً بر روی دامنه ارتفاعات و بر روی بستر صخره‌ای ایجاد شده‌اند بیانگر این موضوع است که این نوع انتخاب به نحوی تعمده بوده و نشانگر اهمیت بستر دشت مریوان و زمین‌های حاصلخیز آن جهت انجام امور کشاورزی نزد جامعه است که به عبارتی زمین‌هایی که دارای قشر مناسبی از خاک برای فعالیت کشاورزی نیست به گورستان اختصاص یافته است. گورستان‌های گرده شمامه، گرده خزینه و زردویان نمونه‌های جالبی برای این نوع الگوی انتخاب بستر گورستان در دوره اشکانی هستند.

در برخی از محوطه‌های شناسایی شده مانند تپه عبه فتول نیز که به صورت یک برجستگی در میان دشت قابل مشاهده است و با توجه به پراکندگی سفال‌های دوره مس‌وسنگ جدید، ابزار و تیغه‌های سنگی و همچنین قطعات اندکی از ظروف سفالی و خمره‌های اشکانی شناسایی شده و مشاهده قطعات پراکنده لاشه سنگ بر روی سطح تپه، نشانگر آن است که این تپه استقرار است که از دوره مس‌وسنگ جدید شکل گرفته و بعدها در دوره اشکانی به عنوان گورستان مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که استفاده مجدد استقرارهای پیش از تاریخ به عنوان گورستان در دوره‌های تاریخی فقط محدود به این تپه نبوده و در اکثر تپه‌های پیش از تاریخی دشت مریوان و سایر مناطق غرب ایران نیز مشاهده شده است. احتمالاً استفاده از تپه‌های باستانی به عنوان گورستان در دوره‌های بعدی به دلیل بلااستفاده بودن قشر خاک این تپه‌ها در جهت ساخت و سازهای عمرانی و همچنین ارتفاع مناسب آن‌ها عاملی در برابر قدرت تخریب سیلاب‌ها و از بین رفتن قبور مردگان بوده است.



سپاسگزاری

بخشی از اعتبار مالی برنامه بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دشت مریوان از محل اعتبارات استانی و با حمایت پژوهشکده کردستان‌شناسی دانشگاه کردستان تأمین شده است که جا دارد از مسئولین محترم دانشگاه کردستان و پژوهشکده کردستان‌شناسی قدردانی شود.

منابع

- توحیدی، فائق. (۱۳۸۶). *فن و هنر سفالگری*، چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
- چایچی، احمد و سعیدی، محمدرضا. (۱۳۸۱). *نگاهی به تدفین تابوتی در ایران باستان*، تهران: انتشارات سمیرا.
- زمانی دادانه، مرتضی و محمدی قصریان، سیروان. (۱۳۹۸)، «بررسی محوطه‌های عصر آهن دشت مریوان»، مجموعه مقالات علمی-پژوهشی کنفرانس بین‌المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار: مشکلات و اولویت‌ها، به کوشش یوسف حسن‌زاده، علی‌اکبر وحدتی و زاهد کریمی، ۶ و ۵ آبان، جلد ۱، تهران، پژوهشگاه باستان‌شناسی، صص: ۱۰۳-۸۶.
- زمانی دادانه، مرتضی. (۱۳۹۷). *بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دشت مریوان*، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان.
- ساعد موچشی، امیر و آذرشب، علیرضا. (۱۳۹۲). «شواهد استفاده از غارهای صعب‌العبور در دوره دالما در غرب ایران»، *پیام باستان‌شناس*، سال دهم، شماره بیستم، صص: ۵۰-۳۷.
- ساعد موچشی، امیر و آذرشب، علی و غفاری، زهرا. (۱۳۹۱). «تپه سرقلعه: شواهدی از سفال اوروک در استان کردستان و ارتباط آن با مسیرهای ارتباطی بین‌النهرین»، *پیام باستان‌شناس*، سال نهم، شماره هجدهم، صص: ۴۸-۳۷.
- ساعد موچشی، امیر. (۱۳۹۴). *گزارش کاوش نجات‌بخشی محوطه سرچم روستای روار، شهرستان سروآباد، استان کردستان*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۴۹). *سنگ نگاره‌های بیستون و طاق بستان و کاوش‌های علمی کنگاور*، یادنامه سمپوزیوم باستان‌شناسی ایران، تهران: موزه ملی ایران.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۴). *معبد آناهیتای کنگاور*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، صص: ۲۵۰-۲۲۵.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله. (۱۳۷۷). «گورخمره‌های اشکانی»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، پیوست شماره یک، مرکز نشر دانشگاهی، صص: ۱-۳.
- محمدی قصریان، سیروان. (۱۳۹۳). *گزارش تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه گلین کبود مریوان*، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان.
- محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس. (۱۳۸۱). *گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان مریوان*، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان.
- محمدی‌فر، یعقوب و هژبری نوبری، علیرضا. (۱۳۸۳). «نگرشی بر آیین تدفین گورخمره‌ای دوران اشکانی در حاشیه غربی زاگرس مرکزی (مریوان)»، *پیام باستان‌شناس*، سال اول. شماره دوم. صص: ۴۲-۲۹.
- محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: انتشارات سمت.



- معصومیان، محمد. (۱۳۹۶). گزارش کاوش اضطراری و تعیین عرصه و حریم گورستان زردویان، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان.
- هرینگ، ارنی. (۱۳۷۶). سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه: حمیده چوبک، چاپ اول، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.

